



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان
است.
منصور حکمت

۱۳۳

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۲۶ اسفند ۱۳۸۲

۱۶ مارس ۲۰۰۴

سه شنبه ها منتشر میشود

از ستاد انقلاب

ایران می آیم! مصطفی صابر

جوانان کمونیست این شماره، فرمت و حجم معمول را ندارد. از این بابت پوزش میخواهم و اضافه میکنم که علت آن درگیری برخی دست اندرکاران و بویژه سردبیر آن با موضوع مهم دیگری بود: پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری!

تصور میکنم خواننده کنجکاو است که بداند در پلنوم ما چه گذشت. اینجا قصد نیست و وظیفه این نشریه نیست به گزارش رسمی از پلنوم بپردازیم. نشریه اترناسیونال (که ارگان کمیته مرکزی ماست) این کار را خواهد کرد. من مایلم احساس و دریافت شخصی از پلنوم را با خواننده در میان بگذارم. این یک پلنوم و گردهمایی عادی کمیته مرکزی حزب ما نبود. جو و فضا و جهت گیری پلنوم بیستم و فضای سیاسی خاصی که در ایران حاکم است، به آن اهمیتی فوق العاده می بخشید. اگر کسی کنگره چهارم حزب ما را دنبال کرده باشد، این پلنوم گامی بلند به جلو، جلوتر از کنگره چهارم بود. به این اعتبار این پلنوم تاریخی بود.

اولین نکته برجسته در پلنوم بیستم، وحدت و انسجام فوق العاده بالای حدود ۹۰ کادر مرکزی حزب کمونیست کارگری بود. وحدت و انسجامی که ما هنگامیکه منصور حکمت را در کنارمان داشتیم احساس میکردیم. این وحدت و انسجام را حالا هم میلیون منصور حکمت و زحمت فوق العاده او برای تبیین یک کمونیسم کارگری روشن، دخالتگر و پاسخگو به مسائل امروز جهان و ساختن حزبی شفاف، سیاسی و پخته، هستیم. اما فکر میکنم رهبری حزب ما چه در کنگره چهارم و چه در این پلنوم نشان داد که از ظرفیت و توانایی ادامه راه منصور حکمت و رهبری یک انقلاب اجتماعی در ایران برخوردار است. صفحه ۶



امشب
شهر ما
است!

چهارشنبه سوری امسال یک راندو بزرگ است. به بزرگی همه شهرها و خیابانهای ایران. به جمعیت همه دختر و پسرها و مردمی که آزادی میخواهند، برابری میخواهند، شادی میخواهند، رقص و سرور و سرحالی میخواهند. مردمی که از ریش و پشم و عبا و عمامه و اسلام و شلاق و خدا و قرآن و کثافت خسته شده اند. مردمی که از حاکمیت وحشیگری اسلامی بر کوچه و خیابان و کار و مدرسه و اتاق خوابشان به تنگ آمده اند. چهارشنبه سوری امسال به دنبال اعتصاب معلمان، قیام های شهری ایند و کامیاران و فریدون کنار و بدنبال هشت مارس گسترده سنندج و تهران و قزوین و سایر شهرها می آید. چهارشنبه سوری امسال راندویی برای انقلاب است، بدترین چهارشنبه تمام عمر جمهوری اسلامی! امشب باید کنترل تمام محلات و میدانهای شهر را بدست آوریم. باید تمرین جمهوری اسلامی زدایی کنیم. خوش باشید!



طلیعه انقلاب!

وجود دارد. این واقعه را در اعتصاب سراسری معلمان و تحرک های وسیع در بین دانش آموزان ضرب کنید. با هشت مارس امسال و اعتصابات لاینقطع کارگری جمع کنید. حزب کمونیست کارگری و روی آوری وسیع و روزمره به آن را وارد معادله کنید. حاصل پا گرفتن یک جنبش عظیم توده ای بسیار رادیکال و چپ خواهد بود. بزودی سر و کله اعتصابات سراسری کارگری و بویژه کارگران نفت پیدا خواهد شد. بزودی قدم بر افراشتن یک انقلاب عظیم و کارگری چهره سیاست ایران و جهان را تغییر خواهد داد.

مبارزه مردم فریدون کنار دیگر یک قیام تمام عیار بود. سه روز جنگ و زد و خورد بین مردم (بویژه جوانان و دانشجویان) و نیروهای انتظامی رژیم، فتح پاسگاه و کلاترپها، بدست گرفتن کنترل شهر و حتی اقدام برای پیشروی بسوی بابلسر، اسم دیگری جز قیام ندارد. وقایع فریدون کنار نشان داد که تا چد حد بین توده وسیع مردم آمادگی برای اقدام مستقیم و به زیر کشیدن جمهوری اسلامی



پیام
بهرام مدرسی

بمناسبت ۴شنبه سوری

رفقا و دوستان عزیز،

چهارشنبه سوری را در پیش داریم. این روز برای ما امکانی است که خواست هممان برای سرنگونی جمهوری اسلامی را اعلام داریم. در این روز باید پرچم مبارزات مردم خاتون آباد، بم، فریدونکنار و ایند و سنندج را علیه رژیم اسلامی بلند کرد. در این روز با جشن و شادی وسیعمان و با شعار آزادی، برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی محلات و خیابانهای شهرهایمان را به تسخیر خود درآوریم. رژیم اسلامی به مرگ خود نزدیک میشود. قدرت اعتراض و اتحاد ما برای به زیر کشیدن این رژیم خفقان اسلامی باید این رژیم سیاه را به زیبالدان انداخته و جامعای آزاد و برابر را ممکن کند.

این امروز دیگر واقعییتی است که اگر رژیم اسلامی هنوز سرپا مانده است، دلیلش نه این است که مردم این رژیم را میخواهند، دلیلش نه این است که این رژیم با خامنهای و خاتمی میتوانند راهحلی برای خروج از بحران ماندن و نمادندشان داشته باشند. تنها دلیل ماندن آنها این است که مردم، زنان، جوانان، معلمان و کارگران آن نیرو و حزبی که دست همشان را در دست یکدیگر بگذارند و آنها را برای سرنگونی این رژیم زهبری کند را بخوبی نمیشناسند.

این حزب امروز خوشبختانه موجود است. این حزب کمونیست کارگری است. باید به این حزب پیوست و پرچم این حزب را در مبارزه علیه رژیم اسلامی در هرکجا که هستیم، بدست بگیریم. باید این ضدمنحیترین، انسانیترین و رادیکالترین و لایقترین نیروی تاریخ سیاسی ایران را به همه شناساند. چهارشنبهسوری امکانی است برای ما که پرچم این حزب را وسیعا در محلات، خیابانها و شهرهایمان به دست بگیریم.

من برای همشما روزهایی شاد و موفق را آرزو میکنم و امیدوارم که در آیندهای نزدیک دست در دست هم جشن سرنگونی این رژیم اسلامی و اعلام حکومت آزاد و برابر انسانها را برپا کنیم.

بهرام مدرسی ۱۵ اسفند ۱۳۸۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از ستاد انقلاب ایران می آیم!

نکته دوم، که به نکته اول کاملا مربوط است، احساس مسئولیت و نشان دادن عزم و اراده و روشن بینی کادرهای مرکزی حزب کمونیست کارگری برای رهبری مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی و سازماندهی یک انقلاب اجتماعی در ایران بود. مسائل متعدد عملی و سیاسی، از چگونگی سازماندهی در داخل کشور، تا چگونگی مشخص آمادگی حزب برای بسیج نیرو و تصرف قدرت، تا چگونگی مقابله با مشکل بزرگ حزب یعنی تامین مالی فعالیت های گسترده اش، از مباحث تئوریک در تبیین انقلاب و نقش حزب تا مولفه های اوضاع سیاسی و ارزیابی از احزاب اپوزیسیون در مباحثات پلنوم مطرح بود. میشد در سیمای هر سخنران پلنوم یک رهبر سیاسی و اجتماعی کمونیست را دید. میشد دید که چگونه کل پلنوم و هر یک از سخنرانان به مسائل مختلفی که اوضاع فعلی، پاکبازی جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی در پیش ما قرار داده است آگاه است و میکوشد پاسخ های واقعی ارائه کند.

نکته سوم که به نکات بالا معنی عملی و واقعی میداد جهت گیری مشخص این پلنوم بود که بویژه توسط حمید تقوایی لیدر حزب مطرح و نمایندگی میشد. طبعاً حمید تقوایی خود کل این بحث را توضیح خواهد داد. اما دریافت من این است که اهمیت این جهت گیری بویژه در مبارزه و اعلان جنگ همه جانبه با یک خطر عمده بود که پیروزی انقلاب و کمونیسم را در ایران تهدید میکند. خطری که منصور حکمت آنرا «جنیوریسم» نامیده بود.

منصور حکمت در سخنرانی مشهور و تاریخی اش «آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود» بعد از یک بررسی واقع بینانه و عینی از جنبش های مختلف اجتماعی نشان میدهد که کمونیسم در ایران شانس پیروزی دارد. اما او چند جا در صحبت هایش تاکید میکند که «خطری جدی که ما را تهدید میکند» «جنیوریسم» صوف خودمان است. منظور او از «جنیوریسم» (خود کوچک پنداری، دستکم گرفتن خود) مشخصاً این است که کمونیستهای کارگری نتوانند از میراث دهها سال اختناق و سرکوب کمونیسم که به عادت ایفای نقش جنیورها (و نه سنیورها)ی صحنه سیاست تبدیل شده، خود را رها کنند. نگرانی او این بود که در هر انقلاب و برآمدی باز در آخر روز این احزاب بورژوا باشند که بیایند قدرت را بگیرند و تکلیف را یکسره کنند. و کمونیستهایی که دهها سال به آنها گفته اند شما را چه به قدرت و حکومت کردن، خودشان را به پرسه

زدن در کوچه پس کوچه های سیاست راضی کنند.

باید تاکید کرد که بحث های پایه ای منصور حکمت مانند حزب و جامعه و حزب قدرت سیاسی در چند سال گذشته به میزان زیادی خود حزب و کادرهای مرکزی آنرا متوجه خطر جنیوریسم کرده بود. اما در افزوده ای که حمید تقوایی داشت این بود که این بحث را به کل جنبش وسیع توده های مردم برای آزادی و برابری، به جنبش کمونیسم کارگری او معنی وسیع آن تسری میداد. خطاب او فقط حزب و فعالین آن در داخل و خارج نبود، بلکه رهبران عملی و پیشروان کل آن جنبش وسیع و اجتماعی که حزب ما نمایندگی میکند بود که به مثابه سنیورهای سیاست، به مثابه صاحبان جامعه، به مثابه کسانی که میخواهند به قدرت تبدیل شوند و زندگی را تغییر دهند به میدان بیایند. خطاب بحث های او (و در واقع جهت گیری غالب پلنوم) بویژه رهبران عملی کارگری، کارگران کمونیست، کمونیست ها و رهبران عملی در جنبش زنان، جوانان، در بین معلمان و سایر اقشار بود که بصورت چهره های علنی و اسم و رسم دار بعنوان رهبران مردم به میدان بیایند.

این جهت گیری بی تردید موجب آن خواهد شد که طیف وسیعی از کمونیستها و انسانهای آزادیخواه در عرصه های مختلف مبارزه اجتماعی به میدان بیایند و جنبش ما صاحب صدها و هزاران رهبر محلی و سراسری و شناخته شده، کسانی که عملاً سنگ بنای یک حزب کمونیستی کارگری وسیع و توده ای و پرقدرت اند، بشود. اینها کسانی هستند که در راس مجامع عمومی و شوراها و کارگری، شوراها و تشکل های محلات و در بین کانون ها و انجمن های گوناگون در بین زنان و جوانان و معلمان و سایر اقشار، حلقه های واسط سازماندهی یک قدرت عظیم سیاسی خواهند شد که تحت رهبری و پرچم حزب کمونیست کارگری جمهوری اسلامی را به زیر خواهد کشید و جایگزین آن خواهد شد. همانطور که اشاره شد این بحث وجوه گوناگونی دارد که ما هم به سهم خود خواهیم کوشید در این نشریه منعکس کنیم، اما بعنوان یک احساس و برداشت اولیه باید بگویم که پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب ما گام عملی روشن و بلند در جهت ساختن آن حزب سیاسی و توده ای کمونیستی کارگری که تکیه گاه هر تحول انسانی در ایران است برداشت.

در مجموع این پلنوم نشان داد که حزب هم به نواقص و کاستی های خود و هم بر نقش فوق العاده و تاریخی که میتواند و باید در این لحظات حساس ایفاء کند آگاه است. اگر کسی غرق در تنگ نظریهای خود نباشد، اگر کسی واقعا آرزوی سرنگونی جمهوری اسلامی و رهایی مردم را داشته باشد میداند که عزم، اتحاد و روشن بینی حزب کمونیست کارگری و بویژه رهبری آن یک فاکتور تعیین کننده و یک منبع امید و انقلاب است. پلنوم این عزم، اتحاد و روشن بینی را نشان داد.

زن، خدا و زنجیر!

ایمان شیرعلی



در طول تاریخ، زنان بارها و بارها شان تشنه خدا را بر کرده شان چشیده اند. در جوامع اسلام زده، که مزدوران خدا رسماً حکومت می کنند، این شلاق همه چیز حکومت است.

بیست و پنج سال تلاش رژیم خدا برای برپایی حکومت عدل علی در ایران، چهره مخوف خدا و ظرفیت آدمکشی و خونریزی این جانور را بیش از هر زمان دیگر آشکار کرد. زنان هدف اصلی وحشیگری خدا و مزدورانش بودند. دشمنان قسم خورده زنان که به تیغ و اسید و سنگ و روسریشان همانقدر افتخار می کنند که به تجاوز محمدشان به دختر نه ساله! در درگاه خوین الهی پیکر و جنسیت زن

اهریمنی و نجس اعلام شد! داروغه های خدا دستگاه زن ستیزی اش را در مسجد و مدرسه و کارخانه، در خیابان و پارک و حتی خانه بر پا کردند. فاطمه، این قربانی جنون محمد و حرص پدوفیلی علی را نشان زنان جامعه دادند که می خواهیم زن گردند زن وسیله ارضای جنسیت، مایملک شخصی است. سوره نسا شان را به رخ زنان کشیدند. برای نحوه کتک زدن زنان توضیح المسائل نوشتند. غافل از اینکه گور خودشان و خدایشان را میکنند!

امروز زنان پیشاپیش اقشار دیگر

جامعه جلوی لشکر خدا صف کشیده اند و سرود شکست خدا را چشم در چشم فریاد می زنند. امروز زنان می دانند پیش شرط رهاییشان و اعاده حقوق انسانیشان، یکسره کردن تکلیف این جانور هار است. میدانند فریادشان پیش از هر چیز تودهنی به خدا و برابری طلبیشان تفی به صورت خدا، این سمبل کثیف ارتجاع تمام اعصار است.

و ما، ما کمونیستهای کارگری، ما که زبردست افسار زدن به این جانوریم، پیشاپیش صف زنان جامعه، پرچم دفاع از انسان در مقابل درندگی خدا و مزدورانش را برافراشته ایم. ما آمده ایم خدا را به زنجیر بکشیم! ما آمده ایم اختیار را به انسان بازگردانیم و برای این مهم باید به حکومت قصابان خدا پایان دهیم! خدا همچو دیوانه آدمخوار است که علاجی برای دردش نیست. یا باید زنجیرش کرد و یا آزادش گذاشت که قربانیاش را تکه تکه کند!

باید انتخاب کرد بین خدا و انسان! باید انتخاب کرد بین خدا و آزادی زن! انتخاب کنید! به صف انسانها، به صف رهایی زن، به صف کمونیسم کارگری پیونید!

تاکسی!

حمید از تهران

تهران، عباس آباد،
بعد از انتخابات، درون
یک تاکسی

راننده تقریباً ۵۵ ساله است. عقب ماشین یک خانم ۴۲ ساله با دختر ۱۷ ساله اش با لباس شیک و موهای زیبای از روسری زده بیرون نشسته، و یک آقای چاق با سرو وضع غیر مدرن جلو ماشین. بحث بر سر تعویض نام خیابان خالد اسلامبولی در گرفته است. دختر جوان می گوید که بعد از سرنگونی شاه دولت مصر اسم خیابانی که به نام شاه ایران بود به خیابان شریعتی تغییر داد. مسافر جدیدی سوار می شود. همان یک جمله برای ورود او به بحث کافی می باشد. شاید به تجربه دریافته است که عمر بحث در تاکسی حداکثر نیم ساعت است. ۴۰ سالش است و در کنار نفر جلویی فشرده شده است.

تازه وارد: ولی حکومت اسلامی نام یک تروریست یعنی خالد اسلامبولی را روی

یک خیابان شهر گذاشت. راننده: اسم یک عرب! این عربها ایران را نابود کردند. تازه وارد: اما شما همان دینی را دارید که عرب ها برایتان آوردند. راننده: من؟ من؟ من از عربها بدم می آید. من ناسیونالیستم. تازه وارد: من ناسیونالیست نیستم از عرب ها هم بدم نمی آید. خیلی از عربها مدرن هستند. نسبت به ایرانی ها کینه ندارند. اما عمر رهبر اسلام (و نه اعراب) اسلام را به زور در ایران اشاعه داد، و اسلام هم حالا دارد تروریسم را در دنیا اشاعه می دهد.

راننده و بغل دستی او: نه نه!! دیگه نشد، شما دارید تند می رید. تازه وارد: (ظاهراً در هچل گیر کرده اما صلاح نم دانند کوتاه بیاید احساس خطر هم نمی کند.) در تمام کشور های خاورمیانه دارو دسته های اسلامی دارند فجیع ترین قتل ها را مرتکب می شوند. الجزایر، عربستان، افغانستان، ایران. بن لادن، طالبان همه اینها مسلمانانی جنایتکار هستند. مادر و دختر: اسلام نگاهت کسی را بکشید، این کارها ربطی با اسلام ندارد.

تازه وارد: اسلام تو قرآنش، تو رساله هاش همه اش دعدت به کشتن می کند، قاتلوقاتلوقاتلوق!! راننده: اینها همه بازی با کلمات است.

تازه وارد: این که دست آدم ها را قطع می کنند مال اسلام نیست؟

راننده: این کار وهابی هاست، تو اسلام نیست. تازه وارد: در حکومت پیغمبر دست آدم ها رو به جرم دزدی قطع می کردند. راننده: این کار ماله دوره توحش عرب هاست.

تازه وارد: به هر صورت دستور پیغمبر بوده است. در اسلام حکم می کند که زنی را تا گلو در چاله می کردند. راننده: این کار ماله دوره توحش عرب هاست.

تازه وارد: اسلام را به خاطر همین قانون هاش رد می کنند. اگر دین و ایدئولوژی قانون انسانی نداشته باشد، انسان قبولش نمی کند.

خانم ها لبخند می زنند، شاید ته دلشان به خاطر اینکه کسی به این صراحت به چیزی که در زندگی روزانه مایه رنجشان است، انتقاد می کرد خوشحال بودند. اما روحیه کاسبکارانه فرصت طلبانه و عادت به تبعیت مانع می شود که حقیقت را بگویند. شاید هم واقعا زنا را موجب چنین عقوبتی می دانستند! تاکسی به آخر خط رسیده بود. تازه وارد: (به راننده) بخشید من قصد توهین به شما را نداشتم. راننده و بغل دستی: نه عزیزم بیان عقیده آزاد است. برو به سلامت، موفق باشی جانم.

کردایتی را باید کنار گذاشت!

گفتگو با فاتح شیخ

عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری

و از رهبران کمونیست سرشناس و با سابقه در کردستان



جوانان کمونیست: چقدر این اعتراضات مردم برای رهایی از شر جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری بود و چقدر یک افق ناسیونالیستی و به اصطلاح «کردایتی» بر این اعتراضات سوار بود؟

فاتح شیخ: اعتراضات توده مردم برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی است که به نظر من جوهره یا تحقق آزادی و برابری هم جهت است، اما پیشرفت امر آزادی و برابری یا برعکس سوار شدن یک افق ناسیونالیستی و به اصطلاح «کردایتی» بر این اعتراضات تماما به پراتیک آگاهانه، نقشه مند و بموقع حزب کمونیست کارگری و همچنین رهبران کمونیست در محل بستگی دارد.

جوانان کمونیست: افق ناسیونالیستی در کردستان چه چشم اندازی را در برابر مردم قرار میدهد. نقد شما چیست؟

فاتح شیخ: افق ناسیونالیستی کارش جدا کردن اعتراض و مبارزه مردم کردستان و کارگران کردستان از اعتراضات و مبارزات عمومی مردم و طبقه کارگر در مقیاس سراسری است، با هدف اینکه احزاب ناسیونالیست در حاکمیت و قدرت سیاسی محلی شریک شوند و سهم بیشتری از حاصل استثمار طبقه کارگر به جیب بزنند یا برای بردن سهم خود، پشتوانه سیاسی فراهم کنند. اسم این را میگذارند فدرالیسم، خودمختاری، «کردایتی»، حق کرد و غیره که البته در این میان مخصوصا پروژه فدرالیسم میتواند غیرمستولانه تر و حتی خونبارتر از سایر طرحها باشد. همه جریانات ناسیونالیست از حزب دمکرات تا باند زحمتکشان تا بهاء ادب و غیره در این افق و سیاست شریکند. بهاء ادب سرمایه اش حاصل استثمار سه نسل از کارگران کردستان است و میداند که با سقوط جمهوری اسلامی، نسل امروز کارگران حاصل کار خود و

نقد اعتراضی توده ها به رژیم شاه با نقد اجتماعی و سیاسی به اپوزیسیون ارتجاعی آن تکمیل شود و چنان شد که دیدیم. امروز جامعه در شرایط دیگری است، آرایش اپوزیسیون چیز دیگری است، کارگر و زن و نسل جوانی که انرژی اصلی اعتراضات توده ای اند فاز دیگری را دارند طی میکنند، حضور حزب کمونیست کارگری بعنوان یک قطب نیرومند بانفوذ روشن بین رادیکال و انقلابی فاکتوری اساسی در سیر اوضاع است. این فاکتور هم اکنون در کردستان در یک مقیاس اجتماعی به قطبی شدن جامعه حول کمونیسم و ناسیونالیسم شکل داده است. پیشرفت پروسه انقلابی و خود انقلاب آتی، کل جامعه را حول افق و سیاست دو طبقه کارگر و بورژوا قطبی تر خواهد کرد و این قطبی شدن در کردستان مشخصا حول کمونیسم و ناسیونالیسم بعنوان دو افق و دو سیاست فی الحال موجود فعال در صحنه است. هر حرکت معینی، مستقل از منشا مشخص آن، بسته به اینکه فعالین و رهبران کدامیک از این دو جنبش طبقاتی بر آن هژمونی داشته باشند شکل و مسیر و مقصد متفاوتی میگیرد. همزمان با این تحولات، حرکت ۸ مارس سنج و تظاهرات کامیاران هم اتفاق افتادند. افق و سیاست ناسیونالیسم کرد با این تناقض اساسی و اجتماعی روبروست که منشا هر حرکتی باشد با مسیر و مقصد بعدی آن در شرایط رو به انقلاب کنونی در تناقض خواهد افتاد. در مورد اخیر هم تا حد زیادی همینطور شد.

فاتح شیخ: این تعرضات توده ای، اساسا محصول ضرب شدن دو فاکتور است:

۱) نفرت عمیق مردم از رژیم اسلامی

۲) شرایط پر تلاطم و رو به انقلابی که مشخصه کنونی کل جامعه ایران است.

گرچه ابراز وجود هر دو این فاکتورها در وضعیت سیاسی مشخص کردستان گاهی اشکال پیشرفته تری میگیرند ولی در مجموع و در محتوی از جنس همان تعرضاتی است که برای مثال در فریبونکنار و دماوند و ابده و غیره اتفاق افتادند. منشا مشخص تعرضات توده ای

اخیر چند شهر کردستان، هیاهوی دو حزب حاکم در کردستان عراق بود راجع به اینکه «فدرالیسم قومی» مورد نظرشان در قانون اساسی موقت عراق گنجانده شده است. واقعیت هرچه هست (که بحث را جای دیگری میبرد)، این هیاهو از زاویه منافع مردم کردستان پوچ است.

همچنانکه از زاویه منافع مردم فریبونکنار هم کشمکش دو کاندید جناح های جمهوری اسلامی پوچ است. اینها کانال هایی هستند که اعتراضات از آن شروع میشود و معمولا مردم معترض بخصوص رهبران رادیکال و کمونیست و نسل جوان بسرعت از آن عبور میکنند.

حرکت اعتراضی را به مسیر اصلی آن میاندازد و با تعرض به نهادها و نمادهای رژیم مثل پایین کشیدن مجسمه یک مزدور رژیم در مریوان یا فراری دادن امام جمعه در فریبونکنار علیه کل رژیم متوجه میکنند. در خیلی موارد منشا یک حرکت و اعتراض توده ای چیزی است اما مسیر و مقصد آن چیز دیگری میشود، بسته به اینکه چه تیبی از رهبران سیاسی روی جهت و مسیر آن حرکت تاثیر میگذارند. انقلاب ۵۷ برای چه بود و ارتجاع اسلامی آن را به چه مسیری انداخت. گفتند «بحث بعد از مرگ شاه!» و با چماق حزب الله جلو دهن چپ ها و کمونیست ها را گرفتند نگذاشتند

جوانان کمونیست: عکس العمل جمهوری اسلامی در قبال این اعتراضات چه بود؟

فاتح شیخ: متفاوت بود؛ اساسا دستپاچگی و غافلگیری و حالت نوافعی، در مواردی هم تیراندازی که در بوکان منجر به جانباختن یک جوان شد و بالاخره دستگیری ها و آزاد کردن عده ای از آنها. بخش دیگری از رژیم، مشخصا «نمایندگان» مجلس منتسب به مناطق کردنشین سران رژیم را نصیحت کردند که مواظب وخامت اوضاع باشند و با احتیاط بیشتری عمل کنند، همچنانکه استاندار مازندران در مورد فریبونکنار شبیه این موضع را داشت.

پدران و اجدادشان را از او پس خواهند گرفت و خلع یدش میکنند، به همین خاطر این روزها «پانتول» (شلوار) کردی میپوشد و دم پل ایستاده که از کرسی مزدوری در مجلس اسلامی رژیم بپرد بغل جریانات ناسیونالیسم کرد که تا چند سال پیش آنها را «گروهک های ضدانقلاب» نام میبرد. نقد من به ناسیونالیسم فقط سیاست آنها و از جمله طرح کشیف فدرالیسم نیست، کل افق و فلسفه و فرهنگ و شیوه زندگی عقبمانده ای که ناسیونالیسم کرد پیش پای جامعه و بخصوص نسل جوان پیشرفته امروزی آن قرار میدهد، مجموعه گنبدیده ایست که با انسانیت و زندگی امروزی خوانایی ندارد. مساله کرد، و هرگونه تبعیض علیه مردم کردزبان باید فوراً حل شود. هر شهروند ساکن کردستان اعم از کردزبان و غیرکردزبان باید حقوق مساوی با شهروند تهرانی و تبریزی و شیرازی و هر جای دیگر کشور داشته باشد و هیچگونه تبعیضی جایز نیست. اما نه افق و فلسفه و فرهنگ «کردایتی» و نه طرح و سیاست فدرالی و خودمختاری و معامله گری سنتی احزاب و جریانات ناسیونالیست راه رفع این تبعیضات نیستند بلکه مانع راهند و مردم کردستان باید سریع از این مانع عبور کنند و از افق و فلسفه و سیاست و فرهنگ آن ببرند تا بتوانند با بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی در زندگی جدید و بهتری را به روی خودشان باز کنند. تجربه ۱۳ سال حاکمیت دو حزب ناسیونالیست در کردستان عراق بسیار گویاست.

جوانان کمونیست: با این توصیفات و بعنوان یک جمعیتی به نظر شما یک جوان کمونیست در قبال این اعتراضات چه باید میکرد؟

فاتح شیخ: یک جوان کمونیست باید پرچمدار و رهبر نسل جوان برای دستیابی به یک افق و سیاست و شیوه زندگی جدید و امروزی باشد. نسل جوان باید هر نوع ناسیونالیسم و محلی گری و چسبیدن به فرهنگ عقبمانده و سنتی را کسر شان خود بداند. اعتراض علیه جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری، در دنیای سال ۲۰۰۴ نمیتواند کارها پیشکش امثال بهاء ادب و عبدالله مهتدی. جوان کمونیست باید پیام آور انتگره شدن نسل جوان نه فقط در مقیاس سراسری و کشوری بلکه در مقیاس جهانی باشد. فقط یک هویت انسانی و جهانی، یک فرهنگ پیشرو و مدرن جهانی

جوابگوی شیوه زندگی نسل جدید و جوان در سنجند و مهاباد و شهرهای دیگر کردستان و حتی روستاهای آن است. نسل جوان باید کردایتی را بعنوان یک پدیده عقبمانده کنار بزند و به حاشیه براند. جوانان کمونیست با اتکا به سازمانشان و حزیشان باید پرچمدار این پیشرفت باشند.

جوانان کمونیست: بعنوان آخرین سوال، به نظر میرسد که ناسیونالیسم کردی میکوشد به نوروز و چهارشنبه سوری نیز رنگی ناسیونالیستی بزند، در این مورد چه باید کرد؟

فاتح شیخ: به نوروز و چهارشنبه سوری و شادی سال نو و آمدن بهار چه در کردستان و چه در سراسر ایران، نباید گذاشت رنگ عقبمانده ناسیونالیستی زده شود. در هر جای دنیا مناسبت ها و فستیوال هایی برای آفرین شادی جمعی وجود دارد، از هر جای «تاریخ» آمده باشد امروز باید برای شادی آفرینی به کار گرفته شود. نوروز و چهارشنبه سوری را هم باید از این زاویه هرچه شادتر و بزرگتر و همگانی تر برگزار کرد. رنگ ناسیونالیسم فقط به آن لطمه میزند، یک جوان غیرکرد زبان در سنجند و یا یک جوان که زبان کردی صحبت میکند در تهران و تبریز چرا باید احساس کند که «فرق میکند»، چرا این شادی مشترک که در این سالها خود را در ضمیمت با فرهنگ ضدشادی جمهوری اسلامی بازتعریف کرده، باید در تهران و سنجند و مهاباد و ارومیه و تبریز فرق داشته باشد. رنگ ناسیونالیستی زدن به این شادی عمومی فقط میتواند «شادی کش» باشد.

جوانان کمونیست: چه رابطه ای بین جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم کردی هست؟ بطور مشخص این به اصطلاح «نمایندگان مردم کردستان» در مجلس اسلامی که در رابطه با اعتراضات اخیر اطلاعیه هایی هم دادند در کجای کار هستند؟

فاتح شیخ: جمهوری اسلامی بطور مشخص با لشکرکشی به کردستان در سال ۵۸ و با ادامه سرکوب و خفقان وحشیانه اش تا امروز، به ناسیونالیسم کرد امکان داده که به یک کانال اعتراض و حتی اعتراض مسلحانه علیه آن بدل شود، اگر این نبود مردم کردستان که از شر شاه و ساواک خلاص شده بودند، تره برای احزاب ناسیونالیست خرد نمیکردند و کردایتی اقبالی پیدا نمیکرد یا دستکم رو به زوال میرفت و حاشیه ای میشد. این «نمایندگان» هم در این ۵۶ سال، هم از توبره دو خرداد خورده اند هم از توبره ناسیونالیسم کرد، حالا که دو خردادشان ته کشیده بیشتر به ناسیونالیسم و گاهی هم مخلوط با سنی گری روی آورده اند اما اینها آبرویخته تر از آنند که جایی برای خود دست و پا کنند. ما جلوی مانورشان را گرفته ایم، اینها باید

روز جهانی زن در قزوین

روز چهارشنبه ۲۰ اسفند از ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر مراسم باشکوهی از طرف کانون زنان فردا در سالن کتابخانه عارف شهر قزوین با حضور جمع‌کثیری از زنان و مردان آزادیخواه تحت عنوان بررسی خشونت علیه زنان برگزار شد. یکی از سخنرانان این مراسم منصوره شجاعی، به خشونت علیه زنان و قتل‌های ناموسی پرداخت. وی با اشاره به حکم اعدام کبری رحمانپور وی را از قربانیان خشونت علیه زنان معرفی کرد و خواهان لغو حکم اعدام وی شد.

شعارهای زنده باد آزادی و برابری! آگاهی بنیان رهایی زنان است! آزادی و برابری زنان و مردان، نوید توسعه پایدار!

۸ مارس روز همبستگی زنان حقوق زنان حقوق بشر است! ۸ مارس نه به مردسالاری! بر پلاکاردهایی بزرگ در این مراسم باشکوه به چشم می‌خوردند. در پایان این مراسم بیانیه زیر قرائت گردید و مورد استقبال بی‌ظنری حاضرین قرار گرفت.

«بیانیه ۸ مارس روز جهانی زن تبعیض و نابرابری علیه زنان یکی از مشخصه‌های دنیای امروز است و در اکثر نقاط جهان زن بطور رسمی و قانونی از ابتدایی‌ترین حقوق و آزادیهای مدنی محروم است.

۸ مارس روز جهانی زن، روز برافراشتن پرچم مبارزه علیه ستم و تبعیض علیه زنان است.

۸ مارس روزی است که در سراسر جهان میلیون‌ها زن و مرد مطالبات خویش را در لغو ستم، تبعیض و خشونت علیه زنان و اصلاح قوانین مربوط به زنان برگزار میکنند.

کانون زنان فردا به مناسبت ۸ مارس و همگام با تمام زنان و مردان آزادیخواه و عدالتجو اعلام میدارد که ما:

- ۱- ما خواهان لغو کامل هرگونه تبعیض و خشونت نسبت به زنان در کلیه سطوح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هستیم.
- ۲- ما خواهان اصلاح کلیه قوانینی هستیم که مانع تامین برابری زن و مرد و مشارکت زنان در تمام عرصه‌های فعالیت سیاسی و اجتماعی می‌باشد.
- ۳- ما خواهان به رسمیت شناخته شدن ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن در تقویم رسمی کشور هستیم.
- ۴- ما خواهان مشارکت زنان در سطوح عالی مدیریت جامعه در تصمیم‌گیری‌های کلان هستیم.
- ۵- ما خواهان ایجاد بستری مناسب جهت آموزش رایگان و همگانی کودکان و زنان در تمام نقاط کشور هستیم.
- ۶- ما خواهان مشارکت زنان در عرصه‌های مدنی و به ویژه نهادهای غیردولتی زنان در جهت ارتقای سطح فرهنگی و آشنایی با حقوق زنان هستیم.

کانون زنان فردا دست تمام شما را در راه آزادی و برابری زنان و مردان می‌فشارد.»

از ملالی جویا تا کبرا رحمانپور!

سازمان جوانان کمونیست در لندن

۱۱ مارس مراسم باشکوهی در لندن توسط سازمان جوانان کمونیست به مناسبت روز جهانی زن در سالی زینبا با حضور دانش آموزان [آذرضض‌چج کذذظق‌ح‌ح] برگزار گردید. پوسترهای مارکس و منصور حکمت جلوه خاصی به این مراسم داده بود. قسمتی از سالن به سازمان آزادی زن و سازمان جوانان کمونیست با ادبیات و نشریات آنها اختصاص داشت. برای نجات جان کبرا رحمانپور و در دفاع از آزادی بی قید و شرط زنان در ایران، تعداد زیادی امضا جمع آوری شد. حضور جوانان افغانی به نوبه خود جالب بود که البته اطلاعیه

شهروندان کشور مستقل از جنسیت و نژاد و مذهب و قومیت تلاش می‌کنند. هنوز زخم‌های ناشی از این افق ارتجاعی، بر پیکره یوگوسلاوی، بیروت و ساریبو التیام نیافته است. ما جوانان کمونیست و آزادیخواه، با هر ارتجاع ناسیونالیستی مقابله خواهیم کرد و پیگیرانه به افشا این حماقت و واپس‌گرایی خواهیم پرداخت.

نمایندگان این مقوله کاملاً سیاه و ارتجاعی، احزاب مشکوک نیستند. موقعیت و منافع سیاسی آنها، موثلقین و طرح‌های داد و ستد سیاسی شان، اهدافشان، مانیفست شان، روش حکومت شان، برخوردشان به زنان و جوانان و کارگران و هر آنچه مهر آزادیخواهی و برابری طلبی بر خود دارد و نسخه غم‌انگیز و سیاهی که برای جامعه فردای کردستان ایران، می‌پیچند، همه و همه معلوم و معرفه است و با تفصیلات در روزنامه‌ها و رسانه‌ها منتشر شده و هر انسان آزادیخواه و برابری طلب که به رهایی مردم کردستان می‌اندیشد، مجاز به داشتن کوچک‌ترین توهم و تردیدی در این مورد نیست.

باید جوانان در کردستان ایران، این سمپاشی‌ها و نسخه‌های ارتجاعی و سنتی عقب‌افتاده را افسار بزنند و در برابری با شعار آزادی و برابری، مرگ بر جمهوری اسلامی قد علم کنند. هلهله کردن و رقصیدن این احزاب راست جامعه تاگینی بر ضرورت جدایی سیاسی قطعی و کامل کارگر زن و جوان آزادیخواه و مدرن کردستان ایران از ناسیونالیسم و جماعت‌های ناسیونالیستی و پا به عرصه گذاشتن آنها به عنوان یک نیروی مستقل مدرن و قدرتمند طبقاتی و سیاسی با پرچم حزب کمونیست کارگری است. صحنه سیاسی ایران و به ویژه کردستان بسیار متحول است. اگر اوضاع به نفع جریان‌های ملی و قومی در کردستان تعیین تکلیف شود، اولین قربانیان، سوسیالیسم و جوانان و زنان و کارگران خواهند بود. توازن قوا و عدم تعادلی که امروز در حال شکل‌گیری است یک فرصت تاریخی برای ما جوانان کمونیست و آزادیخواه است که خود را محکم کنیم، حزب را قدرتمند کنیم و مردم و جامعه را پشت سیاست‌های انسانی خودمان به خط کنیم.

تا آنجا که به مردم کردستان و حتی جامعه ایران بر می‌گردد لازم است که بالاخره آنها از خود بی‌پرسند که هویت ملی از کجا، چگونه، با کدام ترفند‌ها و ابزار و توسط منافع چه کسانی برایشان تراشیده شد و بهای سنگینی که جامعه بابت (منافع ملی) و دست کشیدن از منافع واقعی پرداخت، را به پای چه کسی باید نوشت. وقتش رسیده است که هر انسان آزادیخواه آن جامعه برای همیشه هویت ملی و همه ملحقان آن را افسار بزنند و در مبارزه برای مطالبات و منافع واقعی اش، به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندند...

علیه ناسیونالیسم!

فواد عبدالمهدی



جامعه ایران و مخصوصاً کردستان دوره پر التهاب و تحولات تعیین کننده‌ای را از سر می‌گذراند. میدیا و رسانه‌ها و احزاب سیاه و راست اپوزیسیون کرد با پیشروی هر چه تمام‌تر می‌خواهند مبارزات بحق مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی را از کل جامعه ایران جدا کنند. خورجین این آقایان (ناسیونالیسم قومی و فدرالیسم) که در آن چیزی جز تنوادم دشمنی قومی و خونریزی دیده نمی‌شود، با بوق و کرنا از جانب این مرتجعین، گوش جامعه را می‌آزارد.

ناسیونالیسم قومی و فدرالیسم با مشخصات عینی قابل تشخیص است. مقدم کردن تعلق و هویت و مصلحت ملی به هر امر و پرنسب اجتماعی دیگر، نگرش به تاریخ و واقعیت‌های عینی و سخن گفتن از آنها از زاویه یک ملت، و نه انسان به طور کلی و یا یک طبقه اجتماعی، از خصوصیات ناسیونالیسم است. (مصلح ملی) برایش مجوزی است تا در یکی از سیاه‌ترین لحظات تاریخ دخالت‌های بورژوازی در جهان (مثلاً جنگ آمریکا علیه عراق و کشتار مردم بیگناه) با به رسمیت شناختن میلیتاریسم به عنوان ابزار اصلی در سیاست بین‌المللی قدرت‌های امپریالیستی و در متن قتل و عام و نابودی اقتصادی و اجتماعی (یک ملت دیگر) در اردوی بربریت آمریکا قرار بگیرد و به روی بشریت معترض به این جنایت تف کند. مجوزی بود تا لبخند زنان نظاره‌گر کشتار مردم عرب باشد. مصالح ملی برایش مجوزی بود تا با ارتجاع اسلامی پیمان و جبهه تشکیل بدهد. این تابع نبودن به هیچ محک انسانی و اجتماعی جهاتشمول، خصلت عمومی ناسیونالیسم و مذهب و نژادپرستی است.

تلاعی کردن یک ملت، یا به عبارت بهتر مردم زاده شده در یک چهارچوب مفروض ملی، با ناسیونالیسم و یکی گرفتن اینها، تنزل دادن هویت انسانها به مشخصات قومی آنها و لاجرم تبدیل کردن قومی‌گری و ناسیونالیسم به نماینده طبیعی و خودبخودی ابراز وجود اجتماعی و سیاسی مردمی که به مشخصات زبانی و زیستی شان یک ملت نام گرفته‌اند نیز از خصوصیات بعدی ناسیونالیسم است. در مورد مذهب هم به همان حال است. تنها فرقی که وجود دارد این است که اگر کسی به هر حال تحت شرایطی فرضاً می‌تواند جامعه را به برسمیت شناسی غیر مسلمان بودن خود راضی کند، بریدن از هویت ملی در فکر کسی نمی‌گنجد. ظاهراً کسی نمیتواند بنا به تصمیم خود ایرانی، افغانی،

نامه های شما

از تهران، امضاء محفوظ ابهت پوچ!

«بهرام جان... از هشت مارس که برات همان شب گفتم. خلاصه یه جا باید ابهت پوچ نیروی انتظامی را شکست. به نظر تو باید چی کار میکردیم بهتر بود؟ ... حالا ما باید فکر چهارشنبه سوری باشیم. خیلی ممنون از مصاحبه ات در جوانان ۱۳۲.»

تهران، امضاء محفوظ فرهنگسرای ارسباران

«در بزرگداشت روز جهانی زن فرهنگسرای هنر (ارسباران)... چیزی که خیلی من رو به خودش جلب کرد، ادبیات حزب کمونیست کارگری حتی در سخنرانیها بود. چند سخنران به مردسالاری و... پرداختند اما چون برنامه از پیش تعیین شده بود نمی شد به مشکلات واقعی پرداخت. سخنرانها از روی نوشته میخوانند و یک گروه به نظرم اطلاعاتی هم اونجا حضور داشت. یک مرد بی سیم به دست و هشت دختر متحدالاجادر در ردیف اول! متأسفانه نه از افسانه نوروزی بحثی شد و نه کبرا رحمانپور. جو پلیسی بود. جمعیت هم حدود هشتصد تا هزار نفر بود... دفترچه ای هم پخش شد که صفحه اول آن نوشته بود: روز جهانی زن گرامی باد و بعد شعار صلح، آزادی، برابری.»

کامران از سوئد مساله گرد

سوالاتی را در باره موضوع ما در قبال مساله ستم ملی در کردستان مطرح کرده اند که امیدوارم در فرصت دیگری مفصلا به آن بپردازیم.

سارا از گیلان

غوغای دخترها و پسرها
«سلام بهرام جان. امروز هم تحصن معلمان در گیلان ادامه داشت. اما اخبار دیگر اینکه چهارشنبه سوری امسال احتمالا خیلی جالبتر خواهد بود. از جوانان میشنوم که میخواهند امسال غوغا کنند، چه دخترها و چه پسران. تحصن معلمان حداقل حسنی که داشت این بود که دانش آموزان را عمیقاً از این رژیم متفترتر کرد و حس همدلی آنان با معلمان را بیشتر کرد...»

سینا سپهری تهران دانش آموزان رادیکال

«... اما بهر حال این اعتصاب اخیر معلمان جو مدارس و مخصوصاً دبیرستانها رو سیاسی و بسیار رادیکال کرد... یک سوال دارم آیا میتوانم کانال جدید را از طریق اینترنت بگیرم؟ آخه منو و چند تا از دوستان خیلی دوست داریم برنامه های تلویزیون را دنبال کنیم اما ماهواره نداریم!»

اری سپهر جان به سایت روزنه مراجعه کنید از آنجا میتوانید به سایت اینترنتی کانال جدید بروید.

پیام از زنجان

منصور حکمت در دانشگاه
«اسد جان در دانشگاه آزاد اینجا جزوه هایی از منصور حکمت بین دانش جویان پخش شده است. دانشجویان علاقه زیادی به آنها نشان داده اند...»

آرش سرخ تهران مارکس و اینشتین!

«مصطفی جان کلی باهات بحث دارم راستش! بحث راجع به بهتر کردن جوانان کمونیست. راجع به اینکه هر هفته یک شعر و نقد فیلم توی جوانان داشته باشیم. راجع به اینکه یه بار دیگه و در چند خط بهت ثابت کنم که راجع به شاملو خیلی اشتباه میکردی و اینا! خلاصه ما خیلی با شما کار خواهیم داشت! حالا این حرفمو میزنم اما فعلا یه کار دیگه هم باهات دارم. مصطفی جان امروز روز درگذشت مارکس و تولد اینشتین است. من یه مطالب راجع به این دوتا عزیز نوشتم که خیلی دوست دارم توی جوانان ۱۳۲ چاپ شه، البته خیلی زیاده اگه چاپ کامل ممکن نباشه میشه قسمتی را چاپ کرد... خلاصه ما منتظریم عکس مارکس و اینشتین را کنار هم ببینیم...»

آرش عزیز چقدر متأسفم که به خاطر سر شلوغی نتوانستیم مقاله تو را برای این هفته آماده کنیم. اما در مورد شاملو من همچنان به نامه حکمت در مورد مرگ شاملو اعتقاد دارم. راستش مطمئن نیستم که در اوضاع فعلی و با اینهمه کارهای عاجل حالا باید در مورد شاملو به بحث پرداخت. ولی حتما باید راه و جای مناسب آنرا پیدا کرد. میدانی که من هر نقدی راجع به شاملو داشته باشم در اینکه او ضد جمهوری اسلامی بود تردیدی ندارم. و الان هم دوره پایان کشیدن جمهوری اسلامی است. تاکید میکنم، حتما باید بحث کنیم فقط ملاحظه ام جا و مکانی است که چنین بحثی به خود اختصاص میدهد. بهر حال منم با تو خیلی کار دارم!

در مورد پیشنهادات در مورد جوانان کمونیست، راستش من و همبظور بهرام و دیگر رفقا داریم به نکات مشابهی فکر میکنیم. اگه از من بپرسی جوانان کمونیست به یک نوع خانه تکانی احتیاج دارد. اینهم اجازه بده بعدا بحث کنیم ولی همینجا به همین بهانه از همه خوانندگان دعوت میکنم در این خانه تکانی ما را یاری دهند و نظرات و پیشنهادات شان را بنویسند. آرش عزیزم رویت را میبوسم و یکبار دیگه غمزم میخوام که نتوانستیم عکس محبوب های مارکس و اینشتین را در جوانان کنار هم ببینیم.

یاشار از تهران اهمیت اینترنت

«من می خواستم در رابطه با نظرات دوستانم اوستا و صادق (اشاره به ۱۳۱ و ۱۳۲) که نقش اینترنت و ماهواره را دست کم می گیرند نکاتی را بگویم... حالا با مدد اینترنت من حتی به ساعت می توانم از تصمیمات حزب با خبر بشوم نظرم را بگویم و جواب بشنوم. این دوستان یادشان نیست که در سالهای چندین دور تنها وسیله ارتباطی رادیو بود. که اگر نظری داشتی باید با رمز می نوشتی و امیدوار می بودی نامه ات به دست ماموران دولتی نیفتد. و گاه وقتی این نامه ها به حزب می رسید که دیگر موضوعیت نداشت. یا به دست پلیس می افتاد و اگر یک نکته را رعایت نکرده بودی دچار دردسر می شدی. و از رادیو باید متن نشریه را پیدا می کردی و دست نویس بین رفقای دور و بر می دادی و چند تا هم فحش میشنیدی که این چه دست خطی است! یا اعلامیه حزب را در خانه ها می انداختی بدون آنکه بدانی نظر طرف چیست. حالا، نه همه اما حداقل بعضی ها نظرشان را خواهند گفت. نمی دانم باز هم باید بگویم تا اهمیت این وسائل (اینترنت و ماهواره) معلوم شود. بعضی از این رفقا می گویند که عده کمی (۱۰٪) از این وسایل استفاده می کنند، درست. من یکی چند ماه است دارم کوشش می کنم یک پولی کنار بگذارم که ماهواره تهیه کنم. اما هر بار مشکلی پیش آمده، پول از دست رفته. این وضع اکثر کارگران است. آیا چون امسال من نمی توانم از ماهواره استفاده کنم حزب هم که به زحمت آن را راه انداخته، باید رد امکان و بی فایده بدانیم؟؟ در این زمان امکان حضور حزب به طور علنی در این جا نیست. حتی ما هم خیلی مراعات می کنیم که گیر پلیس نیفتیم. و به نظر من این دلیل نمی شود که حزب در آینده تاثیر گذار نخواهد بود. یکی به خاطر همین وسائل ارتباطی و دوم با کوچکترین فضای که باز شود و امکان علنی کاری پیش آید حزب نشان خواهد داد که چه نیرویی است. به تجربه سال ۵۷ که در کوتاه مدتی جریانات چپ و به خصوص فداییان در جامعه مطرح شدند و نیرو گرفتند، توجه کنیم. بگذریم از اینکه چه بودند و چه می خواستند اما به عنوان چپ آن زمان مطرح شدند در سطح وسیع. من خودم در آن زمان نوجوان بودم اما مثل خیلی از هم سن و سالهایم به طرف آنها رفتم. می خواهم بگویم که من از این بابت زیاد نگران نیستم که حزب مثلاً الان رهبری مستقیم یک اعتصاب یا تظاهرات را ندارد. اما این حزب وجود دارد و در آن زمان می تواند به بهترین وجه رهبری را به دست گیرد. مگر اینکه اتفاق دیگری افتد یا ما نتوانیم

به موقع بجنبیم. پس به نظر من اینترنت، و ماهواره بهترین، سریعترین و بی دردترین وسائل فعالیت هستند، که امکانات زیادی در اختیار می گذارند. به عنوان نمونه فقط یک مثال می زنم: همین اعتصاب معلمان یا اعتراض مردم دماوند و ایذه و غیره رسانه این گونه جزئیات را در اختیار ما می گذاشت...»

کریم احمدی ایران زنده باد معلمان

«... و اما در مورد اعتصاب معلمان در ماهشهر نیز مثل خیلی از شهرهای ایران معلمان در اعتصاب بودند و هم اکنون نیز ادامه دارد و تصمیم دارند تا عید و بعد از عید نیز تا رسیدن به خواسته های خود ادامه دهند. اعتصاب درکل فضای شهر تاثیر فوق العاده گذاشته و بویژه در کارگران صنایع نفت. این اعتصاب واقعا یک رهنمون کامل برای تمامی اقشار مردم به حساب می آید. زنده باد معلمان!»

حمید از تهران

جمهوری سوسیالیستی و اتم
حمید عزیز سوالات و از جمله اینکه آیا «دولت سوسیالیستی بمب اتم داشته باشد» رسید. متأسفانه این هفته فرصت نشد که به آنها بپردازیم. امیدواریم هفته دیگر بتوانیم مشروحا وارد بحث شویم.

صادق فهیمی از تهران

نامه های شما رسید. از جمله نامه ای که مربوط به تحلیل اوضاع سیاسی و درماندگی جمهوری اسلامی بود. و نامه دیگر شما که انتقاداتی به ما بود. در پاسخ به انتقاداتتان اساس بحث ما همانچیزی است که در شماره ۱۳۲ گفتیم. مع الوصف مترصدیم تا با توجه به حجم محدود نشریه و الویت هایش بتوانیم نامه های مفصل شما را منعکس کنیم. متشکر.

فاتح دولتی دانمارک دلم خون است!

«سلام رفیق عزیز. آیا مقاله ارسال کنم چاپ میکنید؟ من فونت فارسی ندارم و چند ساله عضو حزب و سازمان جوانان هستم. اما دلم خونه چون چندین بار (مطلب) ارسال کردم اما یک خط هم چاپ نکردید. امیدوارم شما جواب بدهید. به امید پیروزی و زنده باد سوسیالیسم.»

فاتح عزیز! دیدید که بیش از «یک خط» چاپ کردیم! از شوخی گذشته این تلاش ماست که اگر مقاله و مطلبی را چاپ نمی کنیم دستکم مضمون آنرا به نوعی منعکس کنیم. شما حتما بنویسید. ولی دقت کنید که تا کپنهایک راه زیادی ندارید. میتوانید به امید حدابخشی مراجعه کنید و او برنامه فارسی در اختیارتان بگذارد. و یا حتی راه نزدیکتر، به گروه جوانان کمونیست مراجعه کنید

دامون از تهران ما را تنها نگذارید!

طی نامه ای به مهرنوش موسوی و من گفته اند که حیات سیاسی جدیدی در ایران آغاز شده است و نیاز به همفکری و همگامی بیشتر حزب میدانند. خواسته اند که مسانل رفقا در داخل از طریق تلویزیون و ابزارهای دیگر مورد توجه قرار گیرد. از مقالاتی مندرج در شماره ۱۳۱ و ۱۳۲ در همین ارتباط، تشکر کرده اند و...

دامون عزیز، تمام تلاش حزب در همین جهت است تا فعالین حزبی و رهبران مردم در داخل ایران حول یک پرچم رادیکال و کمونیستی متحد شوند. امیدواریم که در روزهای آتی شاهد پیشروی های بیشتر حزب و همه رفقا باشیم.

دفاع از کبرا در ژاپن دوستانی که از کمپین آزادی جمال صابری در ژاپن حمایت میکنند، اخیراً طی تظاهراتی در برابر کنسولگری جمهوری اسلامی در ژاپن خواهان آزادی کبرا رحمانپور شدند. امیدواریم در شماره بعد مشروح این حرکت را منعکس کنیم.

ریوار از مروان چند خبر

اخبار مربوط به برگزاری مراسم ۸ مارس و تظاهرات ها در مروان را ارسال کرده اند و از اعتصاب معلمان و تعطیل تمام مدارس در سطح شهر خبر داده اند. همچنین اضافه کرده اند که دانش آموزان با شعار «معلم حمایت میکنیم» به تظاهرات پرداخته اند. ریوار عزیز خیلی متشکر و حتما بیشتر و منظم تر برای جوانان کمونیست بنویس.

منصور ترکاشوند ایران

نامه ای در رابطه گفتگوی ما با اوستا (شماره ۱۳۱) نوشته اند که متأسفانه خواندن آن بسیار دشوار است. منصور عزیز جدا معذرت میخوام که نتوانستیم نامه شما را منعکس کنیم. اگر لطف کنید در نوشتن پیروفراسی (بکارگیری خط لاتین در نوشتن فارسی) از استانداردهای معمول استفاده کنید، کار ما را آسان میکنید. از شما بخاطر توجهتان بسیار تشکر میکنیم.

مسعود قهرمانی در نقد گنجی

مطلبی در نقد گفته های اخیر گنجی نوشته اند که اصل آنرا برای روزنه ارسال کرده اند و خواسته اند که ما بخش هایی از آن را منعکس کنیم. مسعود عزیز! متأسفانه فرصت این کار برای ما فراهم نشد. امیدواریم که برای ما مطلب بنویسید.

تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت
۹ تا ۹:۳۰ بوقت تهران
از کانال جدید پخش میشود
(مشخصات کانال جدید در همین صفحه)

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: wpi_tv@yahoo.com

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۱۲۲ ۵۰۳ ۰۰۱

طول موج جدید

رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران روی طول موج ۴۱ متر برابر با ۷۴۹۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد.

برنامه رادیویی سازمان

جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۱۵ تا ۹:۳۰

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.

Payamgir radio:

+46 8 659 07 55

Tel: +44 771 461 1099

& +46 70 765 63 62

Fax: +44 870 129 68 58

radio7520@yahoo.com

www.radio-

international.org

دورودیدن موانع و مرزهای مردسالاری و سنت و ارتجاع و همچنین هم صدا شدن با زنان و آزادیخواهان در سراسر دنیا است. اهمیت روز زن در تأکید بر جهانی بودن و جهانشمول بودن مطالبات و حقوق زنان است. باعث تأسف است که با وجود گذشت بیش از یک صد از پیدایش

روز جهانی زن، زنان در جامعه ایران در حالی این روز را برگزار می کنند که اساسی ترین حقوق آنها در همه زمینه ها توسط قوانین ضد زن جمهوری اسلامی پایمال می شود. روز جهانی زن از این نظر برجسته بوده و هست که سمبل همبستگی با کارگران و مبارزین آزادیخواه است. ما جوانان و دانش آموزان

□ از دزدی و سرقت □ کذب □ ضمن محکومیت قوانین اسلامی در ایران و در عرصه بین المللی، خواهان برچیده شدن تمامی قوانین زن ستیز و انسان ستیز در ایران هستیم و پشتیبانی کامل خود را از مبارزات انسانی و بر حق زنان در ایران و افغانستان و عراق و کشورهای اسلام زده، اعلام می داریم...»

زنده باد ۸ مارس، زنده باد آزادی زن
مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر آپارتاید جنسی
سازمان جوانان کمونیست واحد انگلستان

از صفحه ۴ از ملالی جويا تا کبرا رحمانپور!

ای با آزادی زنان دارد و بدون مشارکت زنان در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی این قضیه امکان پذیر نیست، گرامی باد.

مبارزه پیگیر زنان برای کسب حقوق اجتماعی و مدرن آنها با شرکت و حضور وسیع و فعالشان در مناسبات اجتماعی و عرصه کار و تولید برای بهبود زندگی و شرایط بهتر کار، آغاز گشت. و اکنون نیز با مبارزه پیگیر خود برای حقوق و فرصت های برابر با مردان در همه عرصه ها و برای صلح و آرامش و زندگی بهتر ادامه دارد.

امروز در اکثر جوامع و کشورهای دنیا، مسئله زنان و مطالبات و خواسته های آنها کاملاً اجتماعی شده است، به طوری که بخش بزرگی از جامعه بویژه قشر های آگاه، در این مبارزه شرکت می کنند. ۸ مارس روز گرامی داشت این مبارزات و کوشش های تاریخی زنان و تجدید پیمان برای تداوم آن تا پایان هر گونه تبعیض و نابرابری علیه زنان در جامعه بشری است.

۸ مارس برای زنان در ایران یادآور سالها مبارزه زیر سایه سیاه مذهب و جمهوری اسلامی برای

پیام مهدی حسینی به مردم بوکان!



دادن یک حکومت آزادیخواهانه و انسانی می تواند به سرانجام برسد. اولین اقدام شما باید تلاش برای آزادی همه دستگیر شدگان باشد. حکومت اسلامی را مجبور کنید تمام دستگیر شدگان را آزاد نماید. اجازه ندهید حتی یک نفر در زندان بماند. مردم شهر را برای برگزاری تجمعات اعتراضی در برابر مراکز جمهوری اسلامی آماده کنید و همه دستگیر شدگان را از چنگ سرکوبگران رژیم منحوس اسلامی آزاد کنید. کلیه دستگیر شدگان فوراً و بدون قید و شرط باید آزاد شوند.

چهارشنبه سوری و نوروز در راهند و با تجربه اعتراضات و تظاهرات قبلی و هم چنین با شعار «زنده باد آزادی زن» و شعار «آزادی برای همه» شعار تمام آزادیخواهان است. شما مردم آزادیخواه با هوشیاری و اتحاد مبارزاتی خود صفوف مبارزه برای رهایی بشریت را مستحکم تر

کردید. کارگران، زنان، جوانان! نقش شما در این تظاهرات و در کل جنبش عظیم انقلابی مردم برجسته است. شما در صف مقدم انقلابی قرار دارید که در راه است. روزهای سرنوشت ساز به سرعت فرامی رسند. خود را به سرعت سازمان دهید تا ابتکار عمل را در دست داشته باشید. این جنبش عظیمی است که در سراسر کشور به راه افتاده و در نهایت با سرنوشتی حکومت اسلامی و سازمان

فرستم و همه شما را به پیوستن به صفوف حزب کمونیست کارگری برای در هم شکستن حکومت اسلامی و برقراری جامعه ای آزاد و انسانی فرامی خوانم.

زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!
زنده باد حزب کمونیست کارگری!
زنده باد مردم انقلابی بوکان!

مهدی حسینی
۱۱ مارس ۲۰۰۴

رادیو و تلویزیون کانال جدید!

دیگر بر روی همین طول موج برنامه های رادیویی پخش خواهد شد. مشخصات رادیو و تلویزیون به قرار زیر است:

Satellite: Telstar 12X
Center Frequency: 12608 MHz
Symbol Rate: 19279
FEC: 2/3
Polarization: Horizontal

رادیو و تلویزیون کانال جدید را در سطح وسیع تبلیغ کنید.

این اولین رسانه صوتی و تصویری ۲۴ ساعته چپ جامعه ایران است. کانال جدید فصل جدیدی را در تاریخ رسانه های جمعی آغاز خواهد کرد. این تلویزیون هر روزه از طریق ماهواره تل استار ۱۲ از ساعت ۸ تا ۱۰ شب بوقت تهران پخش خواهد شد. در ۲۲ ساعت

تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 515296 20

0031-613248331

0049 1632693033

001 604 709 8085

0044 78 90 80 9142

00905552048603

0046 70 48 68 647

0049 174 944 02 01

fax:001 781 735 8359

bahram-modarresi@web.de

دانمارک:

امید حدابخشی

هلند:

مجیدپستچی

آلمان:

ایمان شیرعلی

سوئد:

کانادا:

سلمان احمدی

انگلستان

فواد عبدالمی

ترکیه:

دبیر تشکیلات خارج:

مریم طاهری

دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی

مشاور دبیر: ثریا شهابی

آدرس پستی: Jawanan

Postfach 620 515

10795 Berlin

Germany

جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان
حزب کمونیست کارگری ایران

mosaber@yahoo.com

مصطفی صابر

Tel: 001 604 730 5566

www.jawanan.org

از این سایت ها دیدن کنید:

www.m-hekmat.com

www.rowzane.com

www.hambastegi.org

www.medusa2000.com

www.wpiran.org

www.childrenfirstinternational.org

به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!